

5872

ادب
کتاب
میں



www.ketab.ir

سرشناسه	: میناگر، عبدالرضا، ۱۳۳۹ -
عنوان	: اخلاق و تربیت اسلامی
تکرار نام پدیدآور	: عبدالرضا میناگر.
مشخصات نشر	: قم: یاران قلم، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری	: ۲۱۲ ص.
شابک	: ISBN 978-600-310-043-5
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا.
یادداشت	: کتابنامه: ص. ۲۱۱ - ۲۱۲: همچنین به صورت زیر نویس.
یادداشت	: ناشر قبلی: ابتکار دانش: قم.
موضوع	: اخلاق اسلامی.
موضوع	: اسلام و آموزش و پرورش
موضوع	: تربیت اخلاقی
موضوع	: آموزش و پرورش - جنبه های مذهبی - اسلام
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۵، ۳ الف ۹ م / ۸ / BP ۲۴۷
رده بندی دیویی	: ۲۹۷/۶۱
شماره مدرک	: ۴۱۲۲۱۲۹

اخلاق و تربیت اسلامی

عبدالرضا میناگر

ناشر: یاران قلم

شمارگان: ۱۰۰ نسخه

نوبت چاپ: اول ناشر، ۱۳۹۵

قیمت: ۱۴۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۳۱۰-۰۴۳-۵

کلیه ی حقوق این اثر برای مؤلف محفوظ است.

قم: خیابان شهدا، کوچه ۲۸، کوچه جلالزاده، فرعی اول، پلاک ۶۹، تلفن: ۰۲۵ ۳۷۷۴۶۵۶۷

اخلاق و تربیت اسلامی

عبدالرضا میماندر

فهرست مطالب

۱۳	 مقدمه
۱۳	الف: بیان اهمیت و جایگاه مباحث اخلاقی
۱۷	ب: مفاهیم و تعاریف
۱۷	۱- واژه اخلاق
۱۸	۲- علم اخلاق
۱۸	۳- فلسفه اخلاق
۱۹	۴- تربیت اخلاقی
۱۹	اقسام تربیت
۲۰	الف: پرورش بدنی (جسمانی)
۲۱	ب: پرورش و تربیت عقل
۲۳	ج: پرورش روحی و نفسانی
۲۵	تربیت هماهنگ
۲۶	تربیت اخلاقی و اهمیت آن
۲۷	ج: پیشینه تاریخی علم اخلاق
۲۹	فصل اول: واقعیت و عمل اخلاقی
۳۱	گفتار اول: واقعیت اخلاقی
۳۱	الف: نسبی گرایی در اخلاق
۳۱	۱- مفهوم نسبیت
۳۱	۲- دلایل نسبی گرایی و پی آمدها و آثار نسبی گرایی
۳۳	۳- نقد نسبیت گرایی

- ۳۴ اصل تساهل، نتیجه‌ی نسبت‌گرایی در اخلاق
- ۳۵ سهولت یا تساهل
- ۳۶ ب: مطلق‌گرایی در اخلاق و دلایل آن

- ۳۹ گفتار دوم: عمل اخلاقی
- ۳۹ الف: عناصر عمل اخلاقی
- ۳۹ ۱- اختیار
- ۴۱ اقبال متقدمین و متأخرین درباره‌ی اختیار و اراده
- ۴۵ ۲- انگیزه
- ۴۷ نیت یک رابطه‌ی تکوینی است
- ۴۸ ب: راه‌های شناسایی عمل اخلاقی
- ۴۸ ۱- فطرت
- ۵۰ چرا برای فطرت بشر خمول و سستی ایجاد می‌گردد؟
- ۵۰ ۲- عقل
- ۵۴ ۳- وحی

- ۵۷ فصل دوم: مفاهیم و حوزه‌های اخلاق اسلامی
- ۵۹ گفتار اول: مفاهیم عام اخلاقی
- ۵۹ فضایل و رذایل اخلاقی
- تقسیم‌بندی اخلاق بر اساس روابط انسانی
- ۶۰ ۱- در رابطه‌ی انسان با خداوند (اخلاق معنویت و بندگی یا خدا محوری)
- ۶۱ ۲- رابطه‌ی با خود (اخلاق فردی)
- ۶۲ ۳- در رابطه با دیگران (اخلاق اجتماعی)
- ۶۴ اقسام فضایل و رذایل اخلاقی:
- ۶۴ الف: فضایل اخلاقی

۶۴	۱- توکل
۶۶	درجات توکل
۶۶	توکل و قانون کار و کوشش
۶۹	۲- تقوی
۷۱	نشانه‌های اهل تقوی
۷۱	منافع تقوی
۷۲	ارتباط تقوی با آزادی
۷۴	۳- ایمان
۷۵	ماتب ایمان
۷۶	رابطه‌ی ایمان و ارزش اعمال
۷۷	متعلقات ایمان
۷۸	آثار و فواید ایمان
۷۸	الف- پشوانه‌ی اخلاق و معنویت
۷۹	ب- سلامت جسم و جان
۷۹	ج- تسلط بر نفس
۸۰	د- برکات دنیایی و آسمانی
۸۱	هـ- روشن بینی
۸۲	و- محبوبیت
۸۳	۴- محبت به خدا و اولیای الهی
۸۴	اسباب پیدایش محبت
۸۴	محبت به اولیای خدا
۸۵	۵- قناعت
۸۶	ارزش و فواید قناعت
۸۸	۶- یاد مرگ
۸۹	اقسام مردم نسبت به مرگ

- ۹۰..... چاره فراموش نکردن مرگ
- ۹۱..... ۷- تفکر
- ۹۲..... آثار تفکر
- ۹۴..... ب: ردائل اخلاقی
- ۹۴..... ۱- غرور
- ۹۵..... اسباب غرور
- ۹۷..... آثار و پیامدهای فردی و اجتماعی غرور
- ۹۸..... درمان غرور
- ۹۸..... ۲- ریا
- ۱۰۰..... آثار ریا
- ۱۰۱..... معالجه و درمان ریا
- ۱۰۲..... ۳- پیری از هوای نفس
- ۱۰۳..... عوامل و اسباب پیروی از هوای نفس و شهوت پرستی
- ۱۰۵..... آثار پیروی از هوای نفس
- ۱۰۶..... راههای درمان شهوت پرستی
- ۱۰۷..... ۴- زبان و آفات آن
- ۱۰۸..... آفات زبان
- ۱۱۰..... کنترل زبان و دفع خطرات آن:
- ۱۱۲..... گفتار دوم: مفاهیم خاص و حوزه‌های اخلاقی
- ۱۱۳..... ۱- اخلاق علمی
- ۱۱۳..... ۲- اخلاق جنسی
- ۱۱۵..... نقد و بررسی اصل اول
- ۱۱۶..... نقد و بررسی اصل دوم
- ۱۱۸..... نقد و بررسی اصل سوم

۱۱۹.....	لزوم تعدیل غرائز و آثار سوء آزادی در ارضاء آنها.....
۱۲۱.....	روش تربیتی و اخلاقی اسلام در کیفیت تعدیل غرائز.....
۱۲۳.....	۳- اخلاق اقتصادی.....
۱۲۴.....	۴- اخلاق معاشرتی.....
۱۲۷.....	۵- اخلاق خانواده.....
۱۳۳.....	فصل سوم: اخلاق تربیتی.....
۱۳۵.....	گفتار اول انسان شناسی تربیتی.....
۱۳۶.....	مفهوم طبیعت انسان.....
۱۳۶.....	شناخت طبیعت انسان از دیدگاه علوم حیاتی (زیست شناسی).....
۱۳۷.....	شناخت طبیعت انسان از دیدگاه علوم روانی.....
۱۳۷.....	شناخت طبیعت انسان از دیدگاه علوم اجتماعی.....
۱۳۹.....	انسان شناسی تربیتی اسلامی.....
۱۳۹.....	ویژگی های انسان اسلامی.....
۱۴۲.....	گفتار دوم: راه های تربیت اخلاقی در اسلام.....
۱۴۲.....	۱- مبارزه با غفلت و ترغیب به ذکر و یاد خداوند و آثار وجودی آن.....
۱۴۳.....	آثار وجودی ذکر.....
۱۴۳.....	معنی ذکر حقیقی و ذکر قلبی.....
۱۴۴.....	مبارزه با غفلت از نظر قرآن.....
۱۴۶.....	۲- توبه و آثار وجودی آن.....
۱۴۸.....	وجوب توبه و این که توبه واجب فوری است.....
۱۴۹.....	اقسام گناهان.....
۱۵۰.....	فضیلت توبه.....
۱۵۴.....	۳- عبادت نیایش و آثار وجودی آن.....

- ۱۵۵..... اقسام عبودیت
- ۱۵۶..... تأثیر روحی عبادت در انسان
- ۱۵۶..... بهترین عبادت ها چه نوع عبادتی است ؟
- ۱۵۷..... نماز و آثار و آداب آن
- ۱۵۸..... اهمیت نماز
- ۱۵۹..... نماز کهن ترین نیایش به خداست
- ۱۶۱..... اسرار نماز
- ۱۶۲..... آثار تربیتی نماز
- ۱۶۸..... نماز از نظر روایات
- ۴- ۱۶۹..... عمل، تمرین، تکرار و ایجاد عادت
- ۱۷۰..... تعریف عادت
- ۱۷۰..... نقش تمرین و تکرار در ایجاد عادت
- ۱۷۲..... مهمترین آثار عادت
- ۵- ۱۷۳..... تفکر در آفاق و انفس
- ۱۷۳..... اهمیت تفکر
- ۱۷۴..... تفکر در آفاق و انفس
- ۱۷۵..... اثرات تفکر و اندیشه در اسرار آفرینش
- ۶- ۱۷۷..... محیط تربیتی مناسب
- ۱۷۷..... اقسام محیط
- ۱۷۸..... محیط رفاقت و معاشرت
- ۱۷۹..... انتخاب دوستان و معاشران
- ۱۷۹..... آثار معاشرت با دوستان
- ۱۸۰..... محیط مدرسه
- ۷- ۱۸۱..... وجود ضمانت اجرایی برای عمل اخلاقی
- ۱۸۲..... الف: امر به معروف و نهی از منکر

۱۸۳.....	امر به معروف و نهی از منکر ضامن اجرای کلیه قوانین
۱۸۶.....	آثار مثبت فردی امر و نهی
۱۸۶.....	برکات اجتماعی امر و نهی
۱۸۶.....	اثرات زشت و عواقب سوء ترک آنها
۱۸۷.....	شرایط امر به معروف و نهی از منکر
۱۸۷.....	مراتب امر و نهی
۱۸۹.....	ب: اعتقاد به خداوند و یاد او
۱۸۹.....	ج: اعتقاد به معاد و یاد مرگ
۱۹۰.....	حضور و مشاهده صحنه‌های عبرت آموز و مطالعه سرنوشت امت‌ها
۱۹۱.....	جهانگردی (سیر در ارض)
۱۹۳.....	۹- علم
۱۹۵.....	مراتب ارزش علوم در اسلام
۱۹۶.....	۱۰- ارضای صحیح غرائز و تخلیه صحیح نیروها
۱۹۸.....	برنامه‌های اسلام برای ارضای صحیح غرائز
۲۰۲.....	۱۱- مراقبه و محاسبه
۲۰۴.....	۱۲- یاد مرگ و معاد
۲۰۶.....	آثار اجتماعی اعتقاد به معاد
۲۰۸.....	یاد مرگ ضد محبت دنیا و طول امل
۲۱۱.....	منابع و مأخذ

مقدمه

الف: بیان اهمیت و جایگاه مباحث اخلاقی

یکی از مشکلات اساسی مکاتب مختلف، انسان است، که نه تنها دردید کلی بلکه در بعد فیزیولوژیک آن نیز ناشناخته است. هدف از ارائه‌ی همه‌ی مکاتب ساختن انسان است و تمام ایدئولوژی‌ها بسان نسخه‌هایی هستند برای این عنصر پویا و متحرک و تاریخ ساز و متعالی بالقوه. آیا ممکن است بدون شناخت نیاز مریض نسخه نوشت و ارانه داد؟ از این رو می‌بینیم که کلیه‌ی مکاتب ناآشنا با انسان با آن که شناختی ناقص نسبت به انسان داشته‌اند، بالاخره به بن بست رسیده و تئوری‌های مطروحه‌ی آنان مرا از بیراهه به در آورده است. فرهنگ اسلام فرهنگی است که به آدمی در برابر جریانات تخریری و نابودکننده مقاومت می‌بخشد، در برابر استعمار می‌ایستد با عوامل مخدر به مقابله می‌ایستد.

فرهنگ اسلامی فرهنگی است آزاد، زنده و پویا که برای شناخت حق، کشف حقیقت، احیا و احقاق حقوق، رواج توسعه‌ی ارزش‌های انسانی می‌کوشد نگاهی به گذشته‌ی اسلام نشان می‌دهد که این مذهب تا چه حد شیفته‌ی چیزهای نو و پدیده‌های تازه برای گسترش ابعاد حیات انسانی

بوده است.

وجود اعتیادات سخت و پردامنه در همه‌ی جوامع صنعتی، تن دادن به پوچ گرایي، توسعه و گسترش فروش و مصرف مواد مخدر در سطح جهانی، پناه بردن به فحشاء، سرگرمی به ابتذال‌های موجود، پذیرش هنر رسوا و مخدر، حاکی از بزرگی و پوچی فرهنگ حاکم بر جهان است. وجود این زمینه‌ها نشان دهنده‌ی اندوهی ژرف در سیمای جامعه و خود آثار فرهنگ بی‌هدف و بی‌حساب است. این جنبه‌ها نشان می‌دهند که در این فرهنگ‌های موجود طرحی و روشی برای معنی بخشیدن به زندگی و خط مشی ارزنده‌ای برای حیات راستین نیست. مردم، بخصوص جوانان نمی‌توانند گمشده‌ی خود را در فلسفه‌ی زندگی، در ایدئولوژی و در فرهنگ جامعه ببینند، به ناچار و به تبعیت کورکورانه، هرچه که فرا راه آنهاست می‌پذیرند.

در فرهنگ اسلامی برای سازندگی و بازسازی انسان تکیه بر جنبه‌های باطن و درونی انسان می‌شود و این برخلاف مدرنیسم غربی است که توجه به ظاهر امور دارد. هرگونه دگرگونی و تغییر باید از درون آدمی منشأ گیرد و سازندگی در باطن انسان باشد نه ظاهر، زیرا جنگها، صلح‌ها، روابط سازنده یا ویرانگر همه گاه از درون منشأ می‌گیرند.

براین اساس تغییر در ظاهر، لباس و فرم آرایش، تحول نیست و وجود آن نشانه‌ی رشد و عظمت فرهنگ نخواهد بود، باید محتوای درون عوض شود.

فرهنگ اسلامی فرهنگی است آزاده، آزادیخواه، دائم در اندیشه‌ی احیای حق و عدل، مردم را به جهاد فکری، می‌خواند، آدمی را وادار می‌سازد که در رج هزاران شکنجه و عذاب را بپذیرا شود ولی تن به ذلت و ننگ ندهد.

این آزادیخواهی تنها برای خود نیست که اسلام اصرار دارد برای احیای

آزادی، فقط آزادی و حرمت دیگران نیز که تحت اسارت‌ها و قید و بندهای بی‌حسابند قیام و اقدام شود.

فرهنگ اسلامی فرهنگی است پیشرو و مترقی، و همه جا و در همه‌ی زمینه‌ها حضور دارد، در همه‌ی مسائل و ابعاد حیات فردی، راه و روش عرضه می‌کند، خط مشی و طریقه ارائه می‌نماید. در این فرهنگ عقب‌گرد نیست، هر چه حرکت است بجلوست، در عین این که از پشت سر هم بی‌خبر نمی‌ماند و از آن غفلت نمی‌کند. پیشروی و پیشتازی حرکت و تلاش بحدی است که دو روز آدمی را یکسان نمی‌پذیرد.

بر این اساس است که روح‌ها بزرگ، ایده‌ها عالی و انسان بطور مستمر در طریق تعالی است. افرادی که بر اساس چنین فرهنگی ساخته می‌گردند کسانی می‌شوند پیشرو، نیرومند، مفتخر و سربلند، در راه تلاش برای احیای حق و عدل سرافرازی در برابر ایدئولوژی خود، در طلب برای بهسازی محیط حیات، دائماً در کوشش برای ساختن خود و دیگران.

غایت و هدف زندگی در آن به گونه‌ای است که آدمی هر چه پرواز کند باز فضا برای اوج او باز است. او هرگز در غم تنهایی و از خود بیگانه شدن نیست زیرا هم برنامه دارد و هم وظیفه به تلاش.

اینجاست که چنین فرهنگی می‌تواند انسان را به سعادت دو جهانی برساند و برای رسیدن به این دوسعادت، انسان همیشه قادر به تشخیص فوری خیر و شر و تعیین تکلیف اخلاقی نیست در این رابطه نیاز به یک مطالعه و تحقیق تکالیف اخلاقی پیدا می‌شود. هر قدر یک فضیلت اخلاقی را شخص سنجیده و فهمیده دارا گردد، ارزش آن فضیلت به همان اندازه زیادت‌ر خواهد بود. فضایی که مردم عوام نسنجیده و بی‌چون و چرا دارا شده‌اند، البته قابل

تحسین است، لکن قدر و قیمت اخلاقی آنها بمراتب کمتر از فضایی است که صاحب نظران از روی تأمل و بصیرت خود را متّصف به آنها کرده‌اند.

اخلاق مطمئن ترین و ضروری ترین قواعدی را که رعایت آنها برای سعادت فرد و اجتماع لازم است به مامی آموزد. بدیهی است که ترقی حرفه‌ها و صنایع به تنهایی برای تأمین خوشبختی افراد بشر کافی نیست. چه بسا اقوامی که در زمینه‌ی مادّیات پیشرفت‌های شایان کرده و تمدنی درخشان داشته ولی آن تمدن با بدترین فسادها و پستی‌ها و بدبختی‌ها توأم بوده است. از این جهت است که در آن مدنیت، اصول عدالت و دیگر فضایل اخلاقی‌ای نداشته‌اند. باری اخلاق اصولی را می‌آموزد که بدون آنها زندگی برای بسیاری از مردمان تحمل‌ناپذیر خواهد بود.

اخلاق می‌تواند با شناسایی نیروها و استعدادهای وجودی انسان راه تربیت و روش ترکیه نفس را میسر نماید تا جایی که انسان به کمال لایق خویش دسترسی نماید. پس علم اخلاق از ضروری ترین و کامل ترین علوم مقدمی است که انسان‌ها به آن نیاز مبرمی دارند چرا که موضوع علم اخلاق نفس انسان و سازندگی درونی اوست. زیرا که اگر انسان نفس خویش را شناخت، اعانت برشناختن آفریدگار خود می‌نماید. این فرهنگ اصل اسلامی است که راه‌های بسیار گوناگون را در اختیار اراده‌ی انسان قرار می‌دهد تا با شناخت نفس، انسان به سعادت دو جهانی نائل شود.

دریک دید کلی و دقیق باید گفت که بیان اهمیت اخلاق در اسلام نیازی به تفصیل ندارد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله خود مکارم اخلاق را غایت بعثت خود دانسته است (إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّ مَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ) و در قرآن به هیچ وصفی برتر از این که اخلاقی عظیم دارد ستایش نشده است ﴿إِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ﴾.

تعالیم اخلاقی قرآن، یکی از مهم ترین و مشروح ترین قسمت های آن است و حتی درآیاتی که راجع به داستانهای گذشتگان است مهم ترین غایت، توجه دادن به معانی اخلاق است.

ب. مفاهیم و تعاریف

۱- واژه اخلاق

اخلاق جمع (خُلُق) یا (خَلَق) است. و واژه‌ی خلق چنان چه به کتاب لغت مراجعه شود همان عادت، رویه، سجیه و امثال اینها ترجمه شده است. درحقیقت اخلاق ملکاتی است که درنفس انسان حاصل می شود که بر سلوک و رفتار او تأثیر می گذارد، یعنی به اعمال انسان در زندگی جهت می دهد. و یک حالت درونی است که آن را از کردار و رفتار فرد کشف می کنیم. در نفس انسان تحولاتی ایجاد می شود که در سلوک او اثر می گذارد و به صورت فضایل یا رذایل اخلاقی نمود پیدا می کند.

اخلاق بطور کلی عبارت است از: مجموع آداب و رسوم افراد و اجتماعات بشری و قواعد و قوانینی که بر احساسات و افعال این افراد و اجتماعات حکمفرما هستند. این آداب و رسوم و قواعد و قوانین را علوم و فزونی چند مانند تاریخ و علم ادیان و ادبیات و جز آن هر کدام از نظری مخصوص می‌رود بحث و وصف قرار می دهند.

غزالی در تعریف اخلاق می نویسد:

«اخلاق حالتی است راسخ و مؤثر در روان انسانی که در سایه‌ی آن بدون اندیشه و تأمل افعال و رفتار از بشر صادر می شود. اگر این حالت نفسانی زمینه‌ی صدور افعالی باشد که عقلاً و شرعاً نیکو و ستوده است، این حالت را «خلق»

نیکو» می‌نامند. و چنان چه بازده این حالت عبارت از افعال زشت و ناستوده باشد حالتی را که منشأ صدور چنان افعالی است «خلق بد» می‌نامند»^(۱).

۲ - علم اخلاق

علم اخلاق علمی است که بحث می‌کند از انواع صفات حسنه و صفات رذيله، که این صفات با افعال اختیاری انسان ارتباط مستقیم دارند. علم اخلاق عبارت است از علمی که در رفتارها بحث می‌کند و در این جهت گفتگو می‌کند که رفتار شایسته چیست تا سلوک و رفتار آدمی با روح شریعت اسلامی هماهنگ گردد و همچنین کیفیت دور نمودن صفات رذيله.

همچنین علم اخلاق علمی است که چگونه زیستن را به انسان می‌آموزد، عبارت دیگر علمی است که در دل تولید نور و روشنائی می‌کند تا با آن بتوان خوب و بد را تشخیص داد.

۳ - فلسفه‌ی اخلاق

فلسفه‌ی اخلاق درحقیقت از مبادی تصویری و تصدیقی علم اخلاق بحث می‌کند، هم تصورات و مفاهیم علم اخلاق را توضیح می‌دهد هم مسائلی را که پرداختن به تصدیقات و جملات اخلاقی نیازمند به بررسی آنها می‌باشد مورد بحث قرار می‌دهد.

اصولاً بررسی کلی مفاهیمی که در قضایای مختلف بکار می‌روند مانند ظلم، شجاعت، سخاوت، ایثار، امانت، و مانند آنها که موضوع قضایای مختلف

۱ - عثمان، عبدالکریم، روانشناسی از دیدگاه غزالی و دانشمندان اسلامی، ترجمه دکتر سید محمد باقر حجتی، دفتر دوم، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، بهار ۱۳۶۱.

هستند و همچنین بعضی پرسشهای اساسی درباره‌ی قضایای اخلاقی وجود دارد که جای پاسخ‌گویی به آنها در علم اخلاق نیست، در علم دیگری بنام فلسفه‌ی اخلاق مورد بررسی قرار می‌گیرد مانند: ملاک اصلی ارزش‌های اخلاقی چیست؟ آیا اخلاق مطلق است یا نسبی؟

۴- تربیت اخلاقی

قبل از پرداختن به بحث تربیت اخلاقی بطور خلاصه به تربیت و اقسام آن می‌پردازیم. در تعریف تربیت گفته شده: «تربیت عبارتست از فراهم کردن زمینه‌ها و عوامل برای به فعلیت رساندن و شکوفا نمودن استعدادهای انسان در جهت مطلوب، هر انسانی با استعداد و شایستگی خاصی دیده به جهان می‌گشاید و دست آفرینش او را در مسیر تکامل و خوشبختی قرار می‌دهد، سعادت و نیک فرجامی از آن شخصی است که پس از شناخت قابلیت و شایستگی ویژه او، به پرورش استعدادهای وی همت گمارده شود.

حقیقت تربیت جز شناخت ویژگی‌های متربّی، و فعلیت بخشیدن به استعداد و شایستگی‌های پنهانی او، چیز دیگری نیست. به عبارت روشن‌تر واقعیت تربیت پس از شناخت شایستگی‌ها، فراهم ساختن زمینه، برای تکامل و پیشرفت همه جانبه‌ی موجودی است که قابلیت رشد و نمو را دارد تا هر نوع کمالی که به شکل قوه‌ی نامرئی در آن هست به مرحله‌ی ظهور برسد.

اقسام تربیت

تربیت عبارت بود از پرورش انسان در همه‌ی نواحی وجود او. و جهات وجودی یک انسان متعدّد است. بنابراین تربیت و پرورش بر حسب این جهات

مختلف خواهد بود:

الف: پرورش بدنی (جسمانی)

معمولاً علمای تعلیم و تربیت می‌گویند: تربیت بدنی عبارت از پروراندن جسم انسان است از آن جهت که بتواند به اعمال گوناگونی قیام نموده و بدن او در برابر بیماری‌ها مقاومت نماید.

تعلیم اسلامی همه‌ی پیروان خود را موظف به نگهداری دقیق از جسم و بدن می‌داند و به هیچ انسانی اجازه نمی‌دهد به بدن و تن خود لطمه و خدش‌ای وارد سازد. در تربیت اسلامی انسان‌ها باید مراقب و نگهدارنده حفظ سلامت و تندرستی خویش باشند در غیر این صورت مورد بازخواست قرار می‌گیرند.

اسلام بدن و نیروهای آن را پست و ناچیز نشمرده است. و دلیل آن، این است که حتی در عبادات، بدن را از حساب خارج نکرده است: وضو یک حرکت بدنی است که با مدد و جنبش روحی انجام می‌گیرد و منظور از وضو پاکیزگی بدن و نورانیت باطن می‌باشد.

در اسلام بسیاری از عبادات مانند روزه، حج، جهاد، نماز و امثال آنها در صورتی که به سلامتی جسم و اندام انسان، لطمه‌ای وارد سازد یا شخص از نظر جسمانی قادر به انجام آنها نباشد، ضرورت اجرای خود را از دست می‌دهد.

حتی در کتب فقهی اسلامی ابوابی به عنوان «اطعمه و اشربه» یا «شکار و قربانی کردن» و نیز در کتب آداب اسلامی، مسائل و مطالب چشم‌گیری دیده می‌شود که عموماً برای حفظ سلامتی بدن و بهره برداریهای خوشایند و معقول از عوامل لذت در دنیا بخاطر هدف‌های معقول و مشروع، قواعد و ضوابطی در آنها ارائه شده است.

پس مسأله‌ی تن و بدن و سلامت و تعادل و تعالی نیروی آن نه تنها از دیدگاه تعلیم و تربیت اسلامی از حساب زندگی خارج نیست بلکه از اهمیت و ارزشی خاص برخوردار است.

البته نباید فراموش کرد که انسان، تنها عبارت از همین یک بعد نیست تا ما هرچه بیشتر همه‌ی هم و غم خود را در تقویت و پرورش و ایجاد عوامل رفاه آن محدود سازیم، و آن چنان، مساعی و کوشش خود را در جهت آسایش و آرامش آن مضروب نمائیم.

اگر ما انسان را در همین بعد مادی محصور سازیم و این بعد را جدای از ابعاد دیگر بینیم و همه‌ی تلاش و کوشش خود را در پرورش این بعد بکار گیریم با جانور و چهارپایی مواجه خواهیم شد که باید فقط در چراگاه‌های مادیات و مراتع تمایلات پست همچون حیوانات بچرد و هر لحظه به دنبال صید طعمه‌ای باشد.

ب: پرورش و تربیت عقل

یعنی تربیت بعدی که راهبر انسان در زندگی خدا و نیروی رسائی در رسیدن به سعادت و ورود به بهشت است: «الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ اللَّهُ لَهُمْ جَنَّاتٍ» «عقل عامل بندگی انسان نسبت به خداوند و ضامن بهشت و سعادت اوست».

تعالیم اسلام همه‌ی لحظه‌ها را در پرورش این نیرو می‌یابد، کاربرد نیروی عقل از دیدگاه تعلیم اسلامی طوری است که نیکبختی فرد و جامعه در امر دین و دنیا را زیر چتر حمایت خود می‌گیرد.

در هیچ عبادتی مسأله‌ی استخدام این نیرو و بکار گرفتن آن فراموش نشده است. انسان در منطق تعلیم و تربیت اسلامی اگر حتی برای یک لحظه کوتاهی

دست اندرکار تمرین و ورزش بعد عقلی خود گردد، یعنی لحظه‌ای بیاندیشد ارزش این اندیشیدن از ارزش عبادت یک ساله‌ی او فزون‌تر و پربارتر است و بلکه از عبادت هفتاد ساله‌ی او (البته تفکری که انسان را به سوی خداوند راهبری کند).

حتی شخصیت انسان و ارزش وجود او طبق منطق حدیث، با میزان کارایی عقل او ارزیابی می‌شود و امام صادق (ع) عقل و خرد را راهبر مؤمن معرفی کرده است و کم خردی و ضعف این نیرو را مرزی میان ایمان و کفر می‌داند. پس عقل یعنی این پیامبر مسؤول باطنی انسان، دارای ارزش و اعتبار تعیین کننده‌ای در تعلم و تربیت اسلامی دارد که باید هر فرد مؤمن در صیانت و نگاهبانی و تقویت و تقوی آن بکوشد.

اسلام برای اینکه تحرک و جنبش‌ها و مساعی عقل انسان، بیهوده از بین نرود و دقیقاً در مرحله‌ی عمل، حق آفرین باشد، سفارش اکید می‌نماید که در تمام امور از مطالعه و بررسی دقیق و عدلی دریغ نورزد و در مرحله‌ی عمل تا وقتی که عقل به سرحد یقین نرسد دست بکار نگردد. خداوند می‌فرماید: ﴿وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ﴾^(۱) تعالیم اسلامی برای تسویق به علم که قوت و خوراک نیرو بخش و تعالی آفرین این بعد انسانی است از هیچ گونه توصیه و سفارشی فروگذار نکرده است. صدر و ذیل بسیاری از آیات قرآنی به سرور افاق و انفس و به جریان انداختن و به کارگرفتن فکر و اندیشه و تدبر و تعقل جامعه‌ی بشری را سفارش می‌کند. قرآن مجید می‌فرماید:

﴿أَوَلَمْ يَتَفَكَّرُوا مَا بِصَاحِبِهِمْ مِنْ جَنَّةٍ﴾^(۲) ﴿أَوَلَمْ يَتَفَكَّرُوا فِي أَنْفُسِهِمْ﴾^(۳) ر.

۱ - سوره‌ی مبارکه‌ی اسراء، آیه ۳۶.

۲ - سوره‌ی مبارکه‌ی اعراف، آیه ۱۸۴.

بحث تربیت عقل این نکته قابل توجه است که بشر به عللی شیفته و فریفته‌ی عقل خود شده زیرا می‌بیند به وسیله‌ی همین عقل می‌تواند اشیاء را از هم تمیز داده و خصوصیات آنها را درک و فوائد آنها را استنباط نماید.

در نتیجه تا کنون توانسته است به صورتهای جدیدی از مادهٔ بپردازد. مخصوص در قرون اخیر به علت اختراعات و اکتشافات شگفت انگیز مادی، انسان بیش از پیش به عقل خود تکیه کرده است. البته می‌دانیم که اکتشافات علمی و اختراعات نمی‌تواند به حیات و زندگانی بشر استحکام بخشد، بلکه باید طرز استفاده‌ی از آنها را بررسی کرد، که آیا در طریق خیر یا شر، برای صلح یا جنگ از آنها بهره‌برداری می‌شود؟

ج: پرورش روحی و نفسانی

برای تحقیق در پرورش تربیت روح از نظر اسلام ابتدا باید بدانیم که روح انسانی چیست؟ پاسخ این سؤال بسیار غامض است، زیرا روح امری پیچیده و نامحدود است و این پیچیدگی و ابهام، مادیین را وا داشته بود که اساساً منکر روح شوند و از حساب زندگی خارج سازند.

روح از ادراک انسانها بیرون است و کنه آن مجهول و پیچیده مانده است، اما نتایج و آثار آن به هیچ وجه از حیطه‌ی ادراک و احساس ما خارج نیست. همین روح که نیرویی مجهول و نادیده‌ای است، و ما از حقیقت آن بی‌اطلاع و از طرز فعالیت آن بی‌خبر هستیم، وسیله‌ی پیوستگی ما به خداست و فطرتاً ما را به سوی پروردگار رهبری می‌کند زیرا روح نفخه‌ی الهی است: ﴿فَإِذَا سُوِّتَهُ

وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي ﴿١﴾ «وقتی برابر کردم و پرداختم (آدم) را و از روح خود در او دمیدم.»
تربیت اسلامی می‌خواهد روح را از اسارت در قید و بند تمایلات آزاد ساخته تا خداوند را ببیند.

اسلام عنایت خاصی به پرورش روح دارد، زیرا روح مرکز و کانون شخصیت انسان را تشکیل می‌دهد و بدون تردید این نیروی مجهول بزرگترین و پیوسته‌ترین نیروها به حقایق وجود و هستی است.

چون نیروی جسمی بشر به جنبه‌ی مادی و محسوسات محدود است و نیروی عمل به معقولات و زمان و مکان و آغاز و انجام، بالاخره به فنا و نابودی محدود می‌باشد، اما نیروی روح نامحدود است و دستخوش زمان و مکان نبوده و فناپذیر است.

روش اسلام در پرورش روح این است که پیوستگی خلل ناپذیری را میان آن و خداوند در تفکر و شعور و عمل انسانی در هر لحظه و هر جا ایجاد نماید، و برای این امر از طرق مختلف استفاده می‌نماید:

اولاً قلب انسان را در برابر قدرت خداوند حسّاس و بیدار می‌سازد تا همواره این قدرت نامحدود را احساس کند، ثانیاً عوامل را بر می‌انگیزاند تا بشر دائماً خدا را مراقب خود دیده و او را مطلع بر اسرار و کمونات خویش بشناسد، و نیز در دل انسان ترس از خدا را در همه‌ی احوال ایجاد می‌کند، و دوستی خدا و راه یافتن به رضای او را در دل انسان بیدار ساخته، و در نتیجه در قلب او سکون و آرامش دائمی ایجاد می‌نماید، تا در هر حال دل آسوده و مطمئن باشد. هدف همه‌ی این امور آن است که قلب بشر با خدا ارتباط پیدا کند.

وقتی قلب انسان اینگونه در برابر خداوند حسّاس گردد، روح فرد و

جامعه به راه مستقیم هدایت می‌شود، و افراد جامعه دور از هر گونه جرم و پلیدی‌ها زندگی می‌کنند.

تربیت هماهنگ

از مجموع مطالب یاد شده به این نتیجه می‌رسیم که تربیت ابعاد مختلف وجود انسان، به عنوان یک گذرگاه و معبری در سیر بسوی خود یابی و خدایابی و بالاخره در وصول به نورانیت وجود و پائیدن آن، بسیار مطلوب و از دیدگاه تعلیم و تربیت اسلامی شایان بسی اهتمام است که این ابعاد با سیری هماهنگ و متوازن و متعادل در سایه‌ی تکامل همگام خود بسوی هدف که یافتن خود و نهایتاً یافتن خداوند و پیوستن به اوست پیشروی کند.

اگر پرورش این ابعاد با نیروی جذب و دفع تعلیم اسلامی تعدیل گردد، گذرگاه محبوبی برای رسیدن به محبوب و معشوق پدیده‌های هستی است. دنیای طاغی غرب با سرکش ساختن برخی از این ابعاد بر دیگری و فروکش ساختن ابعاد ارزشمند انسانی آنهم در سایه‌ی تسویات شیطانی انسانها را از فضای نورانی وجودش در جوی تیره و ظلمانی بیرون رانند که باید پیروان مکتب آنها همواره در جهنم سوزان آن شکنجه بینند :

﴿وَالَّذِينَ كَفَرُوا أُولَئِكَ هُمُ الطَّاغُوتُ يُخْرِجُونَهُم مِّنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ﴾^(۱) اینها در سوداگری عمر و تجارت فرصت‌های زندگی، کالای نورانیت و هدایت وجود خود را با متاع گمراهی و وسوسه‌های مادی ظلمانی مبادله کردند نه تنها سودی نبردند بلکه از اصل سرمایه‌ی وجود خود نیز زیان می‌بینند و در کالای انسانیت خود، دچار کاهیدگی و کسر و زیان

می‌گردند :

﴿أُولَئِكَ الَّذِينَ اشْتَرُوا الضَّلَالَةَ بِالْهُدَىٰ فَمَا رَبَّحَتْ تِجَارَتُهُمْ وَمَا كَانُوا مُهْتَدِينَ﴾^(۱) سعادت و نیک بختی و سود و بهره‌ی کالای وجود، از آن کسانی است که چراغ روشن‌گر ابعادش و راه و رسم پرورش آنها خدا و قرآن باشد و از چراغ قرآن پرتو گیرند و عملاً پایبند موازین این رهنمود آسمانی باشند، تا رنج بی‌وزنی و خسران و زیان کاهش یافتن سرمایه‌ی وجودشان آنان را آزار و شکنجه ندهد و سرانجام با جلب رضای الهی، خویشان را در حضور او ببینند.

تربیت اخلاقی و اهمیت آن

اکنون در اهمیت تربیت اخلاقی به اصل مطلب می‌رسیم. مقامی که تربیت اخلاقی در اسلام دارد، پس رفیع و ارجمند است. دلیل مطلب آن است که دانشمندان اسلامی، تربیت اخلاقی را در کنار تربیت دینی، هدف اصلی خود قرار داده‌اند.

تربیت دارای اساس روانی و اجتماعی است. منظور از تربیت نزد قدما، رشد کامل و منظم امکانات فرد است، علاوه بر این که این رشد با اجتماع نیز پیوستگی دارد.

در عصر غلبه مادیات بر معنویات، مریبان غربی را وادار کرد، اهمیت تربیت اخلاقی را گوشزد مردم نمایند، و با منطق رسایی بگویند که هرگاه تربیت، از عناصر روحی و اخلاقی عاری باشد، ناقص و بی نتیجه است، و زبان اینگونه تربیت عاید اجتماع گشته و تباه می‌سازد. ممالک اسلامی که اکنون وضع مشابهی با غرب پیدا کرده‌اند، شدت نیاز مردم این ممالک را به تربیت اخلاقی، محرز

ساخته است.

وقتی افراد یک جامعه از نظر جسم و روح و عقل سالم باشند، آن جامعه، مترقی و از انحراف مصون خواهد بود. وظیفه‌ی تربیت این است که سلامتی روانی افراد را حفظ نموده، و وجدان آنها را برای آن که دارای احساس و شعور دقیق و رقیق گردند تغذیه کند.

همچنین تربیت می‌خواهد فرد را طوری پرورش دهد که بتواند خود را در اجتماع مسالم و در میان افراد جامعه که خود یکی از آنهاست کامیاب گردد، تا در پیشرفت جامعه سهیم بوده و نیرویی باشد که به ضمیمه‌ی نیروهای دیگر، جامعه را به انتهای ترقی و کمال برساند. در تربیت اخلاقی همه‌ی دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت اسلامی معتقدند که تطهیر نفس از عیوب، شرط اساسی تلقی علوم و دانش‌ها است.

اگر می‌بینیم نماز بدون تطهیر از حدث و خبث، صحیح نیست، عبادت دل بوسیله‌ی فرا گرفتن علم و دانش جز پس از طهارت از خبائث اخلاقی و پلیدی‌های صفات، درست نیست. و دانش با کثرت تکرار و گفتگو بدست نمی‌آید، بلکه علم نوری است که در قلب‌ها پیدا می‌شود. (۱)

ج: پیشینه‌ی تاریخی علم اخلاق

اصولاً در فلسفه‌ی اسلامی، مطالعات و تحقیقات اخلاقی پنداران مورد توجه نبوده است و متفکران اسلامی کمتر به بحث فلسفی درباره‌ی مسائل اخلاقی پرداخته‌اند. نخستین فلاسفه‌ی اسلامی در زمینه‌های منطق و طبیعیات و الهیات از ارسطو متأثرند ولی به استثناء ابن مسکویه، دیگران در اخلاقیات از او

روی گردانده‌اند.

ابن مسکویه اولین کسی است که کتابی در علم اخلاق نوشته است و عمده‌ی مطالب کتاب «تهذیب الاخلاق» او ترجمه و یا تلخیص اخلاق ارسطو و برخی از آثار افلاطون می‌باشد. با آن که فلسفه‌ی ابن مسکویه دارای اصالت و ابتکار نیست اما آراء او از این جهت قابل توجه و اعتناست که وی اولین کسی است که انظار فلاسفه‌ی اسلام را به مطالعه‌ی اخلاق متوجه کرد و کوشید میان نظر و عمل سازش دهد.

همچنین امام محمد غزالی از شخصیت‌های برجسته در علم اخلاق می‌باشد. و قبل از آن که غزالی دست اندر کار توضیح و تنظیم مسائل اخلاقی بر مبنای فهم و درک عمیق روان‌انسانی گردد، مطالعات و بررسی‌های مربوط به علم اخلاق، سخت ضعیف می‌نمود.

آن گاه که فقه و ادبیات و فلسفه در محیط‌های اسلامی رو به گسترش نهاد هیچ یک از دانشمندان اسلامی همانند غزالی کوشش خود را در علم اخلاق بکار نگرفتند.

پس آن کسی که به مفهوم واقعی کلمه علم اخلاق و فلسفه‌ی آن را تدوین کرد غزالی بود، بخصوص کتاب «احیاء علوم الدین» و کتاب‌های مشابه آن و نیز کتاب «کیمیای سعادت» که به فارسی نگارش یافت. اگر چه غزالی از بررسی‌های گوناگون فلسفی و بخصوص از نوشته‌های فلاسفه‌ی یونانی و ترجمه‌ی آنها اقتباس و استفاده کرده است. غزالی وضع و اسلوب جدیدی به علم اخلاق اعطا کرده است و با محصولی از آثار و مشاهدات و تجارب شخصی، غنی و سرشار نموده است.